



ترجمه محمد کریم خان

تربیه طفل

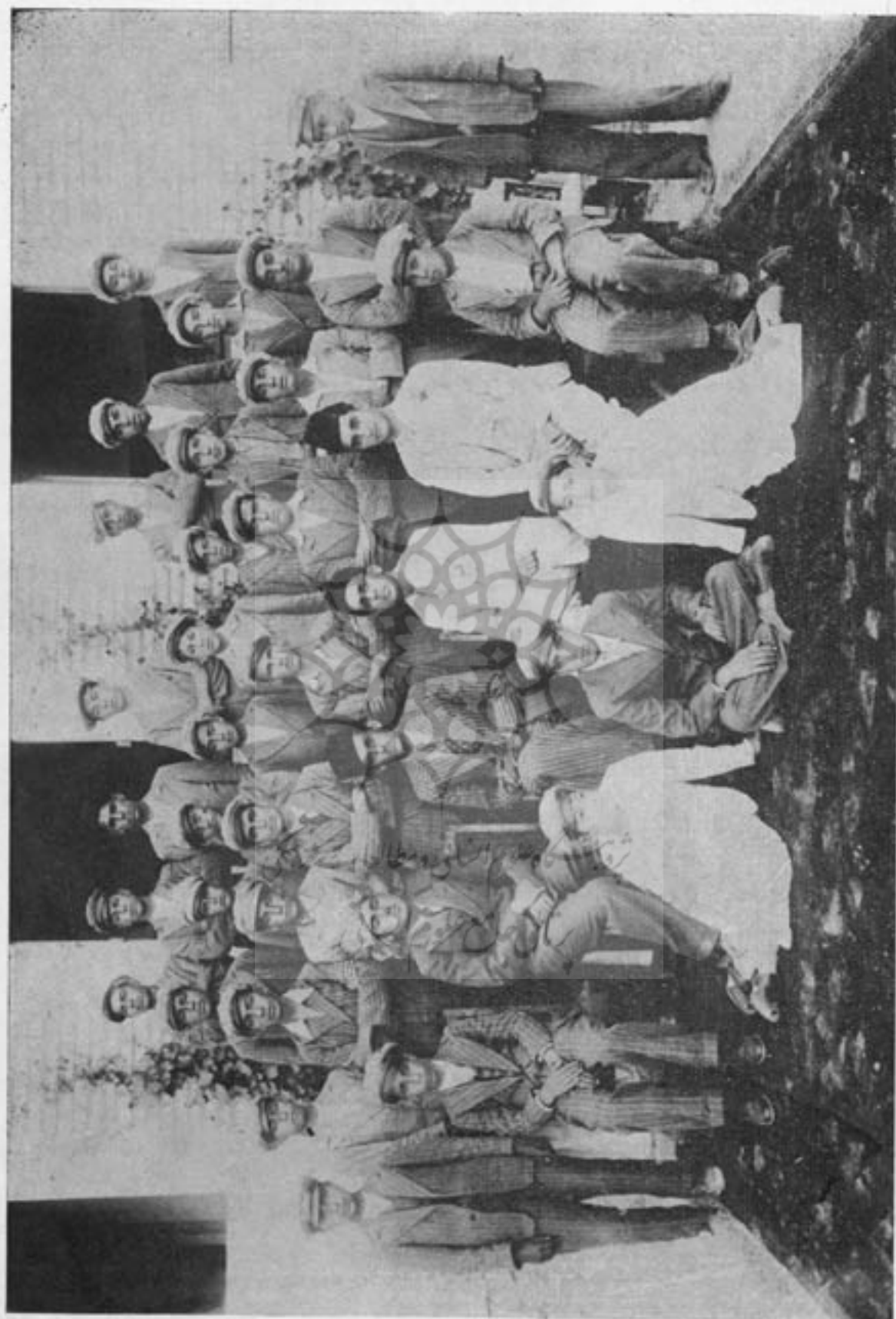
مسئله برجسته و مهمی که امروز پیش روی افتاده تربیه و تعلیم اطفال است . امامت‌اسفانه ممالکیکه در سوبه علمی عقب مانده اند باین وظیفه بزرگ چندان اهمیتی نمیدهند ازینرو حقیقتاً این قبیل ممالک از تربیه و تعلیم اطفال با اصول صحیح و اساسی بی‌خبر و محروم میباشند .

از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی تربیه و تعلیم طفل مقام بلندی را حائز است ، چه تعلیم اطفال بر عده اشخاص صحیح مملکت افزودن است . مسئله تعلیم طفل خصوصاً امروز بسیار جالب دقت و واقع شده و توجه زیادی را باین طرف معطوف ساخته است متفکرین عصر جدید را عصر اطفال نامیده و آنهارا بدین‌ها در خشان آینده خطاب می‌کنند لذا ملل امروز وسائل زیادی برای پیشبرد تعلیم و اخلاق طفل تهیه می‌نمایند . در صورت عدم ایفای این وظیفه اگر جمع باصلاحات يك كتله حرف زده می شود تماماً بیهوده و غلط بنظر می‌خورد چرا جوانیکه در اثر عادت اخلاق و افعال يك زمره را اخذ می‌نماید تقریباً ناممکن است که آنرا ترک گفته شکل دیگری را اختیار نماید . شروع خطوط اساسی تعلیم و یا شخصیت يك طفل از سن شش سالگی شروع شده و تغییراتی که ازین سن به بعد ظهور می‌کند عبارت از تشکلات جسمی چهره ، رنگ ،

و غیره بوده روز بروز در اثر نمو، طفل را کامل می سازد. پیش از آنکه طفل شروع به تفکر و اقامه دلائل کند اولاً تمرین و اعتیاد بر تفکر بیدامی کند که در بنوقت طبیعت ثانوی طفل روی کار می آید. آنا نیکه می گویند شخصیت طفل نظر باز در یاد عمر تغییر می کند غلط است و چنین نمی باشد.

اهمیت و شخصیت طفل در هر حله های اول عمر تثبیت می یابد، چه در بنوقت قابلیت تربیه طفل به قالب خوبی و یا بدی آمده راه ضلالت و یا هدایت را اختیار می نماید.

بعضی از والدین اظهار می کنند که طفل مدصوم قابلیت فهم و ادراک را نمیداشته باشد این يك آبدال مدهشی است که تمام اساسات تهناب حیات طفل را بر هم می زند. حرکات و افعال طفل تابع محیط بوده و حتی بالای طفل يك ساله اثر می اندازد این نظریه کاملاً صحیح و حقیقی می باشد. طرز یکدملاحظه شده طفل علاقه زیادتری بهمان شخص نشان میدهد که با نظر محبت و کشاده روئی بروی مینگرد در حالیکه نسبت بدیگران بی علاقهگی نشان دادهاگی به کزدمی از ان کنار می جو یسد این کیفیت یکی از خصایص قوه شناخت و حساسیت سریع اومی باشد. فراموشی و کم توجهی والدین صدمه شدیدی برای طفل پیش میکنند، مثال عمومی آن تولد طفل دیگری است در ان فامیل، چه درین صورت موقع نازکی برای طفل اولی رو میدهد. سبب آن توجه و پرستاری بطفل نو وارد نسبت بخود زیادتر می بیند. طفل اولی که قبل ازین واقعه مرکز نقل والدین قرار یافته بود، اکنون يك نوع کم توجهی بخود دیده و حقوق خود را اعمال شده می بیند و چون بمقابل این حادثه جدید مقابله کرده نمیتواند ضعیف و نحیف گردیده و حتی مریض میشود. والدین حساس



يك عده از طلبای صنف رشديه دوم و سوم ولايت قندهار



پروشکاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پیش از وقوع این واقعه پیش بین شده طفل اولی را به موقعیتش آشنا نموده و میگذارند تا مشاهدات خود را بصورت صحیح انجام بدهد. برای او یک محیط دلچسپی تهیه نموده درین محیط در تحت شرائط و عادات معین که طبیعت برای او آماده نموده آشنا میگردانند درین وقت طفل از وضعیت و حرکات سابقه خود انحراف ورزیده معاون والدین خود میشود. نظر باین اساسات بجای اینکه با طفل نو وارد رقابت کند او را دوست میدارد و بمفهوم حقیقی می رسد و او را رفیق و دوست خود دانسته خیلی علاقه نشان میدهد. زمانی که طفل صاحب این ایدال میشود لازم است فشاری بر افکار و خیالات او وارد نشود. این یک سر مشقی است که از طرف علمای سائنس و روحیات جدید تحلیل و تدقیق شده است.

طفل والدین و معلمین خود را نمونه حیات خود قرار داده تمام افکارشان متوجه بآنها شده اخلاق و عادات آنها را تقلید می نماید. گمان نشود که طفل قابلیت فهم و ادراک ندارد، این قابلیت فهم و ادراک طفل در اثر تربیه والدین و معلم انکشاف نموده صیقل می پذیرد. اگر چه اطفال قوه تفکر عمیق را ندارند اما چیزها ایسکه با طرف او بجریان است حس کرده و هر حرکات آنرا بکمال دقت و دلچسپی ملاحظه میکنند. سزاو سرزنش نمودن طفل آنقدر یک فعل شنیع است که بهیچ صورت قابل عفو نیست، طفل اطراف و جوانب، خوبی و خرابی یک فعل و عمل را مانند یک جوان سنجیده نمیتوانند. افعال این طفل نتیجه قوای پراکنده ایست که خواهش و مرام او بآن دست نیافته و بکنه آن رسیده نمی تواند. سزای جسمانی صدمه و نقصانی است که اگر بطور متداوم از طرف والدین بی تربیه جاری باشد باعث نفرت و دلشکستگی گردیده علاقه مندی او نسبت به مادر و پدرش

کم می شود. سزای جسمانی نه تنها سبب تولید ترس و بی علاقهگی او میشود بلکه دستخوش بعضی امراض گردیده رفته رفته صحت خود را میبازد. بعضی ها تعجب میکنند چرا اطفال شان گرفتار امراض و صحت شان مختل میباشد چرا بپدر و پدیر خود صمیمیت نداشته اطاعت ندارند سبب آن سزای جسمانی و توییح بیجاست نسبت به طفل. سزای جسمانی و سلوک بد با اطفال مانند حبس کردن با طاق، طعام باوقات معین ندادن، کم توجهی و بی علاقهگی نشان دادن یا از خانه بزمان موقتی کشیدن باعث بی علاقهگی از والدین و مریضی طفل میشود. اکثر آ دیده شده که پدر و مادر از عادت مذمومه و اخلاق پست اطفال شکایت نموده ولی بی خبرند که اساس تربیه و اخلاق طفل بدست آنها بوده خوبی و خرابی طفل عائد بر آنهاست، به ثبوت رسیده که فیصد نود اطفالی که اطاعت بقانون ندارند و یا شخصیت خوبی در بین همشهریهای خود حاصل نکرده اند تربیه ابتدائی او بد بختانه خراب شده به ضلالت رفته است. برای مثال مادرهایک محیط فاسد همیشه اطفال فاسد دیده می شود نه تنها آنها خرابی صحت و دستخوش امراض شده اند بلکه یک طفل بی وجدان و بی حس و باصطلاح عالم روحیات جهل مرکب یاد می شود. طفل دیگری که کاملاً آزاد گذاشته شده و از طرف اعضای فامیل خود در مقابل حرکات خود فشاری ندیده و بعبارت دیگر طفل نازدانه می باشد در نتیجه این نوع اطفال غرض شخصی و خود پسندی را عادت و دوست میداشته باشد.

تربیه با اطفال فوق الذکر یا بخود طفل و یا کسانی که با آنها در تماس اند بی فائده ثابت می شود.

نظر به تحصیل و توصیه علمای روحیات برای هر طفل تعلیم و تربیه بطرز صحیح

لازم است، نمونه صحیح برای سرمشق و تقلید خود طفل اشخاص صحیح محیط را انتخاب نموده و این مقیاس آنها باید از هر گونه نواقص مبرا باشد.

طریقه بهتری برای تربیه طفل آنست که نظریه و هدف مهم آن ترقی و پیشبرد طفل از نقطه نظر طبیعی و روحی میباشد. بعبارت دیگر سیستمی است که طفل حساس هو شیار، نارمل و دلیر بوجود میآورد. معلمین و مربیان طفل از همه اول و وظیفه خود و موقعیت و حدود طفل را فهمیده از آن بپعد به تربیه آن اقدام بکنند، شخصیت طفل در اول مانند هلال کم نور رفته رفته در اثر تعلیم و تربیه صحیح، اگر ابرهای سیاهی مانع آن نشود بصورت ماه کامل طلوع می نماید و یا به عبارت دیگر در اول نهال خوردی بوده اگر نموی کامل و تربیه صحیح به بیند نهال با نمر می شود.

نظر باین اساسات برای اینکه طفل مددگار حقیقی يك محیط شود باید از حرکات و خیالات مذمومی که به قوه روحی و جسمی او ضرر می رساند جلو گیری شود. واضح است که طفل در محیط آزا بصورت طبیعی بمیدان وجود آمده، معلم است که زورق حیات طفل را از چیداول خورد به بحر وسیع هدایت نموده دست با اقتدار خود را از حمایه آن در همه حال باز نمیدارد، حیات و روح تازه باومی بخشد. طفل درین وقت علاقه و محبتی به محیط خود پیدا میکند؛ محیط که بمنزله معلم دیگر طفل است تنها افعال او را بمشا هدا ت معطوف نسا خته به طرف تجربیات سوق مید هد. هر قدر تماس آن با محیط زیاد شود محبت و علاقه بآن پیدا می کند. محیط هم تمام خوبی های خود را با و تقدیم نموده محل اعتماد شاگرد (طفل) می شود و خود را با تمام هستی با و تسلیم و بدامن محبت پرورش وی افکنده اسیر و فریفته او میشود.

طفل که امید و آمل آینه هر ملت است و این امید و آمل او منوط به تریه و تعلیم صحیح طفل است؛ برای انجام این وظیفه بزرگ لازم است تسهیلاتی فراهم نموده؛ اما نکته دیگری که مدنظر گرفته شود اینست تریه نارمل (طبیعی) یعنی موافق با حیات و آمل همان منطقه باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی